

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و شانزدهم، ۱۸ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/خدمات بانکی /حساب های جاری

### 1- حدیث اخلاقی (گام‌ها و منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

قال علی علیه السلام: «صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً. تِجَارَةٌ مُرَبِحَةٌ يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ. أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُواهَا، وَأَسْرَتْهُمْ فَقَدُوا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا [1].»

#### 1-1-1، منزل سی‌ام: صبر

یکی دیگر از مسائل سیر و سلوکی در خطبه متقین امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) برای سالکان این است که می‌فرمایند: «پرهیزکاران و سالکان، ایام کوتاهی را در این دنیا صبر می‌کنند که پشت سر این صبر، آسایش طولانی آخرت را درک کنند و این تجارت سودمندی است که خدای‌شان برای آنها میسر کرده است.» این مطلب، صبر و شکیبایی انسان‌های سالک و با تقوا را می‌رساند. سالک باید صبور باشد. باید صبورِ شکور باشد. علاوه بر اینکه صابر است، انسان باید در سیر عبادت و عبودیت، صبر بر طاعت کند و در برابر وسوسه‌های شیطان و در مقابل جلوه‌های گناه باید صبر کند. صبر در مقابل معصیت، پیش‌نیاز صبرهای دیگر است. اگر صبر بر معصیت نداشته باشد، نمی‌تواند صبر بر طاعت و مصیبت داشته باشد. انسان‌های مؤمن و با تقوا صبور هستند. صبورِ شاکر هستند. حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در کلمات قصار می‌فرمایند: «وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ [2].» نسبت صبر به ایمان، نسبت سر به بدن است. حالت فرماندهی دارد. سالک باید صبور باشد. امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «الْجَنَّةُ مَحْفُوفَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرُ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ جَهَنَّمَ مَحْفُوفَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَمَنْ أَعْطَى نَفْسَهُ لَذَّتَهَا وَ شَهْوَتَهَا دَخَلَ النَّارَ [3].» نعوذ بالله! بهشت، محفوف به مکاره است. ورود به بهشت، مترتب بر صبر است. بهشت محفوف به مکاره و صبر است. کسی که شکیبایی کند، به نتیجه می‌رسد. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾ [4]. انسان‌های سالک به تجارتی می‌رسند که خدا برای آنها مقدر کرده است و هیچ‌گاه کساد ندارد. به جایی می‌رسند که سلام باری تعالی را به خود اختصاص می‌دهند. ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ﴾ [5]. سوره مبارکه رعد.

خود سیر و سلوک خیلی نیاز به صبر دارد. جناب ملاحسین‌قلی همدانی رحمه‌الله در چله‌ای نتیجه نگرفت. شکایت خودش را به مولا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) برد. خواست برود شکایت

کند، دید کبوتری آمد، دانه گندمی برداشت و افتاد. چند بار آمد، تا دانه را برد. کبوتر، معلم جناب ملاحسین قلی همدانی شد؛ چنان که کلاغ، معلم فرزند آدم شد. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) عذرخواهی کرد. با خودش گفت: «من از کبوتر کمتر نیستم. من برای آخرتم تلاش نکنم، ولی کبوتر برای دنیا تلاش می کند». آمد و دوباره شروع کرد.

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ [6]. خوشا آن سالک که دیگران را هم با خود ببرد. «علیکم بالصبر». با صبر می شود دیگران را هم راهنمایی کرد. فرمایش های حضرت در این خطبه، ترتیب منطقی خوبی دارد. باید برای این ترتیب منطقی برنامه ریزی کنیم. صبر را به خاطر فدا نشدن برای دنیا مطرح می کنند. اگر صبر نباشد، انسان شکار دنیا می شود. رهن خیلی از سالکان و بسیاری از مدعیان سلوک، زرق و برق دنیا است. توجه به امور دنیا رهن می شود و انسان را گرفتار می کند. باید برنامه ریزی داشته باشیم که دنیا زده نشویم. از صبر بر معصیت، تا صبر بر طاعت و صبر بر مصیبت. تحمل کردن مصائب، آسان است. ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله» و ذکر ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾، [7] به انسان صبوری می دهد و تحمل را بالا می برد. رزقنا الله ایانا و ایاکم.

## 2- خلاصه جلسه گذشته

در بحث معاملات بورس و معاملات ربوی گفتیم اقتصاد اسلامی به گونه ای است که سرمایه ها را هدایت می کند و سود را نهادینه می کند و وقت ها را با ارزش همراهی می کند. به این نتیجه رسیدیم که اقتصاد اسلامی، دلیلی برای مخالفت با بانک ها ندارد. اینکه بانک ها در قدیم که تأسیس شدند، گرچه از غرب آمد و آنها بیشتر احساس نیاز به بانک پیدا کردند، ولی چون ما مبنا را عقلا دانستیم، فرقی بین عقلای متشرع و غیر آن نخواهد بود. بله، در رسیدن به منع شرعی فرق است و حتی امکان باید نزد عقلای متشرع برویم، ولی اگر دلیلی بر نفی آنچه نزد غیر متشرع است، از عقلا نداشتیم، اشکالی ندارد. منافع بانک را گفتیم: استفاده مطلوب از سرمایه ها، کمک به آنها که توان یا مدیریت ندارند و مانند آن. در مقابل بانک های غیر مشروع، باید بانک های مشروع را نهادینه کنیم. مشروع و مطلوب کردن بانک ها و سالم کردن آنها خیلی هزینه ندارد؛ تنها نیاز به مدیریت و دقت دارد. باید عقود را نهادینه کنیم. باید عقود اسلامی را آموزش دهیم». الفقه ثم المتجر [8]. «بانک، محل تجارت است.

## 3- خدمات بانکی

## 4- حساب های جاری

الآن با چک‌های تضمینی و پول‌های رقم بالا کارکرد حساب‌های جاری کم شده، ولی هنوز کاربرد دارد. معنای حساب جاری این است که پولی را نزد بانک می‌گذارند و هر وقت خواستند پولشان را بردارند. فایده حساب جاری این است که بانک، محل خوبی برای نگهداری از سرقته‌ها است. در نقل و انتقال هم راحت هستند. در تجارت، آسان و سریع تجارت می‌کنند. این حساب در جریان است. و با خدمات الکترونیکی قابل وصول در هر بانکی است و نیاز به بانک صادرکننده هم نیست.

در این حساب جاری، کارگزار با بانک چه قراردادی می‌بندد؟

#### 4.1- تطبیق قرارداد حساب جاری با عناوین فقهی

با این قرارداد در سه عنوان می‌شود پول به بانک داد:

##### 4.1.1- وام و قرض

باید وام‌گیرنده وام را درخواست دهد، ولی بانک‌ها می‌گویند ما با این درصد وام می‌دهیم. جایز است وام‌دهنده جهت سود کارمزدش بگوید بیا باید وام بگیرید. به نظر ما این کار منعی ندارد؛ گرچه متداول این است که معمولاً کسی که پول لازم دارد، اعلام آمادگی می‌کند. فرقی ندارد کدام یک از بانک، یا صاحب حساب درخواست وام کنند. بانکی‌ها به این نوع حساب‌ها، سپرده‌های جاری می‌گویند. مشتری می‌گوید پول به حسابم ریختم و بانک مصرف می‌کند. در واقع مشتری به تقاضای خودش، یا بانک به بانک وام می‌دهد، و بانک هم به دیگران وام می‌دهد؛ یا به اعلام خودش، یا با مراجعه مشتری.

در همین جهت خیلی از وام‌ها غیرمشروع می‌شود؛ مثلاً اگر وامی را به جهتی بگیرند و در جای دیگر مصرف کنند، بی‌اشکال نیست. مگر اینکه بگوید با این وام بتوانم هر کاری دلم می‌خواهد، انجام دهم. اگر فاکتور صوری هم بیاورد، اشکال دارد. مگر اینکه بانک بداند و مراجعه‌کننده هم بداند، ولی بن بست قانونی دارد. بنا بر کسانی که قانون اداری را مانند قانون شرعی می‌دانند، این هم غیر جایز است، مگر با اجازه حاکم شرع و ولی امر باشد.

##### 4.1.2- ودیعه و امانت

تأملی است که آیا امانت بر شیء خارجی است و یا بر ذمه شخص حقیقی، یا حقوقی است؟ به مبنای برخی، در شخصیت حقوقی ربا نیست؛ چرا که ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾، [9] متوجه مکلفین است و شخصیت حقوقی، تکلیف ندارد؛ ولی ما ربا را اعم از شخصیت حقیقی و حقوقی می‌دانیم. بانک و شرکت هم مانند شخصیت حقیقی است. فرقی

ندارد که زید و عمرو بگویند، یا بانک. اشخاص حقوقی هم با واسطه به اشخاص حقیقی تبدیل می‌شوند. در بین اهل سنت رایج است که شرکت را به جهت معامله، دارای ماهیت نمی‌دانند، ولی ما دارای هویت می‌دانیم. مبنای ما اعتبارات است و اعتبار عقلایی به هر کس تعلق گیرد، قابل مبادله و معامله است. در پس دادن هم فرقی بین شخص حقیقی و حقوقی نیست. ما در این جهت هم بین شیء خارجی و امر در ذمه تفاوتی نمی‌دانیم. «کُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» [10] عام و برای همه است. بانک، ودیعه می‌گیرد و وکیل در تصرف در پول شما است. در حساب جاری مشتری می‌تواند شرط کند که هر وقت خواستم، می‌توانم بردارم، یا شرط می‌کند چقدر بردارم؛ در هر صورت باید قبلش اطلاع دهید. در بین بازاری‌ها رسم بود که حداقل باید یک روز یا دو روز زودتر اعلام کنید. المؤمنون عند شروطهم [11]. «در ذمه، عنوان دچار مشکل می‌شود. به نظر ما در تعلق به عین خارجی، یا ذمه تفاوتی ندارد. صد تومان در ذمه را می‌دهد. در مثلی، قیمی هم ساری و جاری است. همان صد تومان را پس دهد، یا اعتبار بازار را هم باید پس دهد.

#### 4.1.3- امانت به اعتبار

حساب‌های جاری عنوان امانت دارد، مانند شق قبلی، ولی نه امانتی که به عین مال تعلق گیرد، بلکه امانتی که به اعتبار و ارزش مال تعلق گیرد. اگر چنین باشد بانک وظیفه‌اش سنگین‌تر است. گفتیم پول ارزش اعتباری دارد و مثلی‌ای است که قیمی بودن هم دخالت در آن دارد. در نفس پول اگر تورم کم باشد، عقلاً با آن معامله می‌کنند، ولی اگر تورم زیاد باشد، چنین نیست. حساب‌های جاری در بانک‌ها حالت ودیعه و امانتی دارد که به اعتباریت اموال معامله می‌شود. خود بانک وقتی می‌خواهد پول بدهد، حالت تورم را رعایت می‌کند، ولی نسبت به مشتری رعایت نمی‌کند. بانک‌ها پولی را که می‌گیرند، وقتی ضرر و زیان تورم بازار می‌آید، باید راه چاره پیدا کنند. اگر ودیعه و امانت به اعتبار باشد، باید ارزش مال حفظ شود. اگر ارزش مطالب و معادل است، باید عدلش رعایت شود. پولی که می‌دهند ذمه نوعی می‌آید و ذمه نوعی مترتب بر افراد و اشخاص مختلف است. فرد پولی که در زمان متوسط و در زمان تسویه حساب است؛ اگر این چنین باشد، حساب پیچیده می‌شود. اکثر حساب‌های بانکی را باید جریانی بدهیم. کاوش و تحقیقی نیاز دارد. اینها جزو امانت و دایع با شرط وکالت است و شرایط باید مشخص شود. اگر مراجعه کننده توجه به تورم داشتند و چیزی نخواستند، محرز است، وگرنه باید شرایط تورم لحاظ شود.

---

[1] نهج البلاغه، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۲۰۴، خطبه ۱۹۳.

[2] نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٣٢٩، حكمت ٨٢.

[3] الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج ٢، ص ٨٩.

[4] فاطر/سوره ٣٥، آيه ٢٩.

[5] الرعد/سوره ١٣، آيه ٢٤.

[6] هود/سوره ١١، آيه ١١٢.

[7] بقره/سوره ٢، آيه ١٥٦.

[8] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٧، ص ٣٨١، أبواب آداب التجارة، باب ١، ح ١، ط آل البيت.

[9] بقره/سوره ٢، آيه ٢٧٥.

[10] نهج الفصاحة، يابنده، ابوالقاسم، ج ١، ص ٦١١.

[11] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ٢١، ص ٢٧٦، أبواب المهور، باب ٢٠، ح ٤، ط آل البيت.